خبر

مخالفت با طرح الحاق به کاخ سفید کشیده شد

● تلویزیون اسرائیل اعلام کرد که کاخ سفید طی هفته جاری مسئله الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به اراضی اشغالی را به شکل جدی بررسی می‌کند.به گزارش ایسنا، شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل به نقل از منابع اسرائیلی و آمریکایی اعلام کرد انتظار می‌رود کاخ سفید هفته جاری بررسی‌ای جدی را درباره اینکه آیا به اسرائیل برای الحاق کرانه باختری چراغ سبز نشان می‌دهد یا خیر انجام خواهد داد. طبق این گزارش، قرار است دیوید فریدمن، سفیر آمریکا در اسرائیل، برای حضور در نشست دوشنبه یا سه‌شنبه کاخ سفید به واشنگتن سفر کند.آوی برکوویچ، نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در مذاکرات صلح فلسطین و رژیم صهیونیستی نیز که برای سفر به اراضی اشغالی طی هفته جاری آماده می‌شد، به دلیل حضور در نشست مذکور سفر خود را لغو کرد.در این گزارش همچنین آمده است: انتظار می‌رود که جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، مایک پمپئو، وزیر خارجه و رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی این کشور به همراه خود ترامپ در این نشست حضور داشته باشند.طبق این گزارش، نشست کاخ سفید در سایه اختلافات داخلی در دولت ترامپ درباره الحاق کرانه باختری انجام خواهد شد. فریدمن موافق اجرای این طرح در زمان کنونی است، اما طرف‌های دیگر محافظه‌کاری می‌کنند. پمپئو نیز پس از بازگشت از اراضی اشغالی دراین‌باره محافظه‌کار بود، اما از آن زمان به‌بعد تا حدودی در مسیر فریدمن گام برمی‌دارد و احتمال داده می‌شود که از طرح الحاق حمایت کند.این شبکه در ادامه گزارش داد اما علامت سؤال بزرگ، جرد کوشنر است، او مخالف روند الحاق نیست، اما نمی‌خواهد اسرائیل طرحی را اجرا کند که به طرح «معامله قرن» ترامپ آسیبی وارد کند. شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل همچنین تأکید کرد یکی از مسائل اصلی که انتظار می‌رود در نشست کاخ سفید مطرح شود، اختلافات داخلی در کابینه اسرائیل میان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، بنی گانتس، وزیر جنگ و گابی اشکنازی، وزیر خارجه دولت رژیم صهیونیستی، درباره مسئله الحاق است و کاخ سفید می‌خواهد روند الحاق با توافق میان نتانیاهو و گانتس اجرا شود. پیش از این نیز یک منبع اسرائیلی از احتمال شکست مذاکرات بین واشنگتن و تل‌آویو در مورد طرح الحاق کرانه باختری خبر داد.

انتشار جزئیات قانون جدید امنیت ملی برای هنگ‌کنگ

● پکن از جزئیات قانون جدید امنیت ملی هنگ‌کنگ پرده برداشت که راه را برای تغییراتی بنیادین در این منطقه باز می‌کند. خبرگزاری رویترز به نقل از رسانه‌های دولتی چین می‌نویسد این قانون که نگرانی‌های عمیقی را در واشنگتن و اروپا برانگیخته است، شامل ایجاد یک دفتر امنیت ملی در هنگ‌کنگ برای جمع‌آوری اطلاعات و رسیدگی به جرائم مرتبط با امنیت ملی است. قانون مورد اشاره همچنین رهبر هنگ‌کنگ را موظف می‌کند که قاضی ویژه‌ای برای رسیدگی به پرونده‌های امنیت ملی تعیین کند؛ اقدامی که می‌تواند موجب ناخشنودی سرمایه‌گذاران، دیپلمات‌ها و رهبران تجاری در این مرکز جهانی اقتصادی شود.چین می‌گوید هدف از این قانون مقابله با فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه، تروریسم و تبانی با نیروهای خارجی است، اما منتقدان تأکید دارند که این قانون به نقض آزادی‌ها در هنگ‌کنگ منجر خواهد شد و موقعیت این منطقه را که به مرکزی برای اقتصاد جهانی تبدیل شده است به مخاطره می‌اندازد.

عکس: AFP

آیا کرملین از ناآرامی‌ها در آمریکا خشنود است

پوتین نمی‌خندد

شادی از سقوط دیگران بخشی اساسی در تبلیغات سیاسی است؛ بنابراین افراد زیادی هستند که احتمالا معتقدند رسانه‌های دولتی روسیه از تماشای جدی‌ترین ناآرامی‌های آمریکا از سال ۱۹۶۰ لذتی تام‌وتمام می‌برند. قطعا افراد زیادی هم هستند که معتقدند در این شرایط صاحب‌نظران روسی از فرصت پیش‌آمده ناشی از اعتراض‌ها و درگیری‌های آمریکا سوءاستفاده می‌کنند و به اظهارنظر درباره استانداردهای دوگانه در این کشور می‌پردازند. هفته‌نامه فارین‌افرز در یادداشتی به قلم آنا آرتونیان، یک روزنامه‌نگار آمریکایی-روسی که سال‌ها در حوزه مسائل مربوط به روسیه تحقیق می‌کند، می‌نویسد که واقعا هم بخشی از واکنش روسیه به اتفاقات آمریکا از همین دست بوده است؛ اما رسانه‌های دولتی روسیه فارغ از تلاش برای ارائه پیامی یکپارچه به مخاطبان بین‌المللی و داخلی، در برخی از محبوب‌ترین برنامه‌های گفت‌وگومحور تلویزیونی مناظراتی درباره «زندگی سیاه‌پوستان اهمیت دارد» پخش کرده‌اند که حتی می‌توان آنها را در تضاد با رویکرد کرملین به این ماجرا دانست.

بی‌نظمی و طغیان به سود چه کسی است؟

معادل روسی آشوب و ناآرامی، کلمه bezporyadki است که ترجمه تحت‌الفظی آن می‌شود «بی‌نظمی». همان‌طورکه کلمه myatezh که به معنی شورش است، معنایی عمیقا منفی در خود دارد. بسیاری از روس‌ها شاهد پایان ناکام اعتراض‌ها و شورش‌ها در کشورشان بوده‌اند، حتی اگر گاه توانسته باشند از این طریق به اهداف خود دست یابند. از دیدگاه کرملین، هم انقلاب بلشویک سال ۱۹۱۷ و هم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ از منظر داخلی و ژئوپلیتیک فاجعه بوده‌اند؛ ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، بارها این را گفته است. علاوه بر این، این اندیشه در روسیه وجود دارد که اولا بعید است اعتراض، نتایج خوبی داشته باشد؛ دوم اینکه بعید است احساسات واقعی و درست پشت آن باشد. در چنین دیدگاه غالب و بدبینانه‌ای، اعتراض محصول توطئه‌هایی شوم با هدف خارج‌کردن قدرت از دست دولت است.

شبکه یک تلویزیون روسیه را به‌عنوان یکی از دو شبکه اصلی دولتی این کشور در نظر بگیرید. جریان اصلی اندیشه در این شبکه را می‌توان در خلال گفت‌وگو با مقامات و سیاست‌گذاران روسی دریافت. سخنان صاحب‌نظران روسی در این شبکه به‌خوبی نشان می‌دهد که برداشت آنها از اعتراض‌های روسیه همان است که باید از سوی مسکو باشد. این شبکه تلویزیونی، هم اعتراض‌های اخیر آمریکا و هم واکنش دولت و پلیس به آن را محصول محاسبات ناآگاهانه بخشی از احزاب سیاسی این کشور می‌داند.

برخی معتقدند دموکرات‌ها و دست‌های پنهان آنها به‌دنبال تضعیف دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا هستند. برخی دیگر انگشت اتهام خود را به‌سوی ترامپ و دولتش می‌گیرند که از هیچ تلاشی برای ماندن در قدرت فروگذار نکرده است. برنامه‌های گفت‌وگومحور این شبکه تمام انگیزه‌های پشت اعتراض‌های آمریکا را بررسی کرده‌اند غیر از یک مورد: غلیان احساسات واقعی مردم در برابر بی‌عدالتی.

در روزهای آغازین اعتراض‌های آمریکا، بحث‌ها در برنامه «زمان خواهد گفت» با محوریت مسئله‌ای انجام می‌شد که صاحب‌نظران روسی از آن به‌عنوان «فناوری‌های سیاسی» به معنی فریب‌کاری و فتنه مخفیانه یاد می‌کنند. در گفت‌وگوهای آن روزهای این برنامه ناآرامی‌های آمریکا، جنگی نژادی بود که مشکلات عمیق اجتماعی این کشور را نشان می‌دهد؛ اما سؤال اصلی این بود کدام حزب سیاسی در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری بیشتر از این اعتراض‌ها سود می‌برد.

هریک از صاحب‌نظران و مفسران روسی برای پاسخ به این سؤال تئوری‌ای داشتند. مجری برنامه «زمان خواهد گفت» در آن زمان با واکنش شهردار مینیاپولیس که زانو زده و در مقابل معترضان گریه کرده بود، این‌چنین همدردی کرد که «اگر من روزنامه‌نگار بدبینی بودم، قطعا می‌گفتم او در مقابل دوربین‌ها دست به چنین کاری زده است، اما من چنین روزنامه‌نگاری نیستم و معتقدم او واقعا از حوادث پیش‌آمده اندوهگین است».

در آن طرف ویاچسلاو نیکونوف، نماینده دومای روسیه، در برنامه «بازی بزرگ»، این واکنش شهردار مینیاپولیس را «نمایشی ریاکارانه» توصیف کرد. این سؤال که اعتراض‌ها در آمریکا به نفع چه کسانی است و چه کسانی دارند به آن دامن می‌زنند، با ادامه ناآرامی‌ها در این کشور جدی‌تر شد. مجری برنامه بازی بزرگ، برنامه ششم ژوئن خود را با این سؤال آغاز کرد: «چه کسی از این اعتراض‌ها برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند؟». در برنامه پنجم ژوئن «زمان خواهد گفت» هم ولادیسلاو شوریگین، تحلیلگر نظامی، این‌چنین گفت که به نظرش «کسانی که به این اعتراض‌ها دامن می‌زنند، نیروهایی علیه ترامپ هستند».

این گفت‌وگوها به مناظره‌هایی تکنیکی درباره ابعاد اعتراض‌های آمریکا محدود شد و اینکه مشارکت‌کنندگان در آن تا چه زمانی گوش به فرمان برنامه‌ریزان آن خواهند بود؛ درحالی‌که این‌چنین فرض می‌شد که برنامه‌ریزان این اعتراض‌ها هرگز شناسایی نخواهند شد. در نهایت الکساندرخینیشتین، یکی از صاحب‌نظران ناسیونالیست برجسته و معاون کمیته امنیت دوما، به‌سادگی اعتراف کرد که «من به اعتراض واقعی اعتقادی ندارم». خینیشتین در بخشی از صحبت‌هایش این سؤال را مطرح کرد که «نیروهای اجرای قانون کجا هستند؟». در شبکه تلویزیونی دولتی روسیه، بحث درباره واکنش پلیس به اعتراض‌های آمریکا از توصیف این نیروها به‌عنوان عواملی برای کنترل ناآرامی‌ها در روزهای اول به گروهی برای ایجاد رعب و وحشت تغییر کرد، چراکه با گذشت چندین روز از این اعتراض‌ها دیگر این‌چنین انگاشته می‌شد که دولت آمریکا دارد کنترل اوضاع را از دست می‌دهد.

یکم ژوئن در برنامه «زمان خواهد گفت»، روزنامه‌نگاری روی خط آمد که در جریان پوشش رسانه‌ای اعتراض‌های آمریکا هدف گاز اشک‌آور قرار گرفته بود. این گزارشگر تلاش بسیاری کرد که بی‌طرف بماند، درحالی‌که اصرار می‌کرد «تمام پلیس‌ها این‌طور رفتار نمی‌کنند» و کلا با صحبت‌های مجری برنامه درباره رفتار خشونت‌آمیز پلیس، مخالفت می‌کرد. برنامه‌های گفت‌وگومحور تلویزیون روسیه قاطعانه و یکپارچه خشونت‌های پلیس در آمریکا را محکوم نکرده‌اند. در قسمتی از هر دو برنامه‌ای که نام برده شد، مناظره‌های داغی درباره ضروری‌بودن واکنش به جورج فلوید و معترضان به مرگ او انجام شد.

محکوم‌کردن خشونت پلیس به نظر می‌رسد باید کار آسانی برای صاحب‌نظران روسی باشد. به‌هرحال فرهنگ سیاسی روسیه مدت‌هاست بر طبل دورویی آمریکا در حوزه حقوق بشر می‌کوبد، اما با وجود اینکه برخی از مفسران از این کارت استفاده کرده‌اند، چنین رویکردی در پوشش رسانه‌ای روس‌ها از تحولات آمریکا برجسته نبوده و نشده است. دلیل این کار هم احتمالا بیش از آنکه به رویکردها درباره آمریکا ارتباط داشته باشد، به نقش پلیس در روسیه برمی‌گردد. از منظر دولت روسیه، کار پلیس محافظت از حقوق بشر نیست، بلکه جلوگیری از بی‌نظمی وظیفه اصلی آن است. رسانه‌ها و مقامات روسی به نظر می‌رسد آن‌طورکه از ناشی‌گری پلیس آمریکا وحشت‌زده شده‌اند، از خشونت این نیروها نترسیده‌اند. به بیان دیگر مسئله این نیست که پلیس خشن رفتار کرده، بلکه این است که خشونت آنها اعتراض‌ها و بی‌نظمی را تشدید کرده است.

بی‌ثباتی مسری است

وقایع اخیر در آمریکا وحشت نزدیکان کرملین را برانگیخته است. این ترس‌ها ناشی از برداشت‌های بدبینانه درباره دولت‌سازی است؛ اینکه تنها راه حفظ نظم این است که باید به هر نحوی شده قدرت را در دست داشت؛ اینکه همواره نیروهایی هستند که به‌دنبال خارج‌کردن قدرت از دست کسانی‌اند که اکنون آن را در تسلط دارند و اینکه مهم‌ترین کار محاسبه نقشه‌های گروه‌های پشت پرده ناآرامی‌هاست تا مانع موفقیت آنها شد. حتی اگر ابرقدرتی مانند آمریکا دچار بی‌نظمی شده باشد، باز صاحب‌نظران روسی هستند که دراین‌باره نگران‌اند.

الکسی پوشکین، از سناتورهای برجسته روسی، گفته است که مسکو از شرایط پیش‌آمده راضی نیست، چراکه ثبات را ترجیح می‌دهد. او گفته است که «بی‌ثباتی مسری است». بااین‌حال چندان به نظر نمی‌رسد که مقامات کرملین نسبت به سرایت این ناآرامی‌ها به کشورشان نگران باشند، بلکه آنها این‌چنین در نظر می‌گیرند که سروکارداشتن با آمریکای بی‌ثبات به‌مراتب دشوارتر خواهد بود. یکی از قانون‌گذاران روسی گفته است «مسکو هنوز به این نتیجه نرسیده که پیروی کدام‌یک از نامزدهای ریاست‌جمهوری، جو بایدن یا ترامپ، به نفع آن است و ناآرامی قطعا به نتیجه‌گیری ما کمکی نخواهد کرد. ما نمی‌خواهیم با دولتی بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی سروکله بزنیم».

هشدار رئیس‌جمهور مصر درباره احتمال مداخله نظامی در لیبی

صف‌آرایی بازیگران جنگ

نیروهای دولت مورد حمایت جامعه بین‌المللی در لیبی با پشتیبانی ترکیه در حال پیشروی به سوی شهر «سرت» هستند؛ شهری که مدتی است در دست نیروهای وفادار به خلیفه حفتر است. ترکیه می‌گوید، در صورت وجود آتش‌بسی پایدار، ژنرال حفتر باید شهر سرت را ترک کند، اما عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر هشدار می‌دهد که قاهره در حمایت از ژنرال حفتر در کشور همسایه لیبی، مداخله نظامی می‌کند. به گزارش بی‌بی‌سی، سیسی در سخنرانی تلویزیونی این شهر را خط قرمز مصر خواند و گفت: هرگونه مداخله‌ای از سوی مصر، مشروعیت قانونی خواهد داشت. او درحالی‌که خودروهای نظامی صف‌آرایی کرده و فرماندهان نظامی در پشت‌سرش ایستاده بودند، افزود: سرت واقع در شمال لیبی و پایگاه هوایی الجفره (واقع در مرکز لیبی) خط قرمز است و ما آماده‌ایم که به مردم لیبی کمک و از آنها حمایت کنیم.

در واکنش سریع و تند به این موضع‌گیری رئیس‌جمهوری مصر، یکی از مشاوران رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در توییتی سخنان السیسی را شگفت‌آور و تعجب‌آور خواند و افزود، شب و روز تهدید به استفاده از زور می‌کنند؟ آیا آنها کمک‌ها و حمایت‌های در طول بیش از پنج سال گذشته خود به ژنرال حفتر کودتاچی را فراموش کرده‌اند؛ درحالی‌که نتیجه آن را جهان می‌داند. دولت مورد حمایت جامعه بین‌المللی به رهبری فایز السراج در لیبی نیز این سخنان سیسی را «جنگ علیه مردم این کشور» خواند و گفت که هیچ‌گونه خط قرمزی در داخل مرزهای لیبی وجود ندارد.اما در این نبرد لفظی، عبدالفتاح سیسی تنها نیست و مانند همیشه عربستان و امارات متحده عربی پشت‌سر او ایستاده‌اند و اعلام کردند که امنیت مصر را بخش جدایی‌ناپذیر از امنیت خود می‌دانند. خبرگزاری رسمی عربستان به نقل از وزارت خارجه این کشور نوشت که ریاض در کنار قاهره برای حفاظت از مرزها و دفاع از مردم خود در مقابل تروریسم و حامیان آنها در منطقه ایستادگی خواهد کرد. همچنین به گزارش خبرگزاری رسمی امارات، وزارت خارجه این کشور در کنار مصر برای انجام تمام اقدامات در راستای حفظ امنیت و ثبات ایستاده است.لیبی پس از سال‌ها آشوب به دنبال سرنگونی معمر قذافی، دیکتاتور این کشور، در پی خیزش مردمی و حمله نظامی نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، در نهایت به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. در بخش غربی با مرکزیت طرابلس دولتی موسوم به دولت وفاق ملی به ریاست فایز السراج بر سر کار آمده که مورد تأیید و حمایت سازمان ملل متحد و برخی کشورها، از جمله ترکیه، قطر و ایتالیاست و در بخش شرقی و جنوب نیز خلیفه حفتر، ژنرال بازنشسته ارتش، بر امور مسلط شده است که از سوی کشورهایی مانند عربستان، روسیه، فرانسه، مصر، امارات متحده عربی، یونان و قبرس حمایت می‌شود.

اتفاقات چند هفته گذشته و شکست گفت‌وگوهای صلح بار دیگر سناریوی سوری‌شدن لیبی را به‌شدت تقویت کرده، به‌طوری‌که حتی امکان برخورد نظامی مستقیم بین برخی بازیگران منطقه‌ای نیز اکنون قوت گرفته است و از دیدگاه ناظران تحولات سیاسی در منطقه، هر لحظه بیم افزایش تنش‌ها و ورود تمام‌قد بازیگران پشت‌پرده به این درگیری‌ها وجود دارد.

نخستین گردهمایی ترامپ از زمان شیوع کرونا برگزار شد

سخنرانی برای صندلی‌های خالی

همه چیز آن‌طور که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا انتظار داشت پیش نرفت؛ نخستین گردهمایی انتخاباتی او از زمان شیوع کرونا در حالی به اتمام رسید که حتی تا مدتی پس از آنکه ترامپ به واشنگتن بازگشت، معترضان در شهر تالسای اوکلاهما در بیرون محل برگزاری این گردهمایی شعارهایی علیه دولت آمریکا و نژادپرستی در این کشور سر می‌دادند. انتخاب شهر تالسا محل برگزاری این گردهمایی بی‌دلیل نبود. این شهر در سال ۱۹۲۱ شاهد قتل‌عام بیش از ۳۰۰ آفریقایی-آمریکایی بود. کشتار این سیاه‌پوستان توسط جمعیتی از سفیدپوستان مشاجره‌برانگیز شد و تمام اینها در حالی است که محبوبیت دونالد ترامپ به علت اداره بد بحران کووید۱۹ و پاسخ او به ماجرای مرگ جورج فلوید کاهش یافته است.

وب‌سایت خبری سی‌ان‌ان در این باره در گزارشی می‌نویسد: در روزی که دست‌اندرکاران ستاد انتخاباتی ترامپ با توجه به اینکه بیش از یک میلیون نفر برای حضور در این همایش نام‌نویسی کرده بودند، انتظار جمعیت عظیمی را داشتند، اما این تجمع به آن اندازه‌ای که انتظار می‌رفت نبود، به‌طوری که مسئولان ستاد انتخاباتی ترامپ از بیم خشم رئیس‌جمهوری، ناگزیر به تغییر برخی از برنامه‌های این همایش شدند. در گزارش روزنامه واشنگتن‌پست هم آمده است که رئیس‌جمهوری آمریکا پس از ابراز خوش‌بینی و تأکید بر حضور پرشور مردم، شنبه‌شب در حالی در تالسا سخنرانی کرد که بسیاری از صندلی‌ها خالی بود. بیشتر حامیان ترامپ که در مرکز ۱۹هزارنفره بوک گرد هم آمده بودند، ماسک به صورت نداشتند و این در حالی بود که چند ساعت قبل ستاد تبلیغاتی او اعلام کرده بود جواب آزمایش کرونای شش نفر از اعضای گروه برگزارکننده این گردهمایی مثبت بوده است.

سخنرانی ترامپ که نزدیک به دو ساعت طول کشید، پر از شکایت، دروغ و ادعاهای خلاف واقع بود. او در سخنرانی انتخاباتی خود به آلمان پرداخت و بار دیگر اعلام کرد که ۱۰ هزار نفر از سربازان آمریکایی مستقر در این کشور را به نقطه دیگری منتقل خواهد کرد. ترامپ همچنین مدعی شد که آلمان یک بیلیون دلار به ناتو مقروض است. رئیس‌جمهوری آمریکا گفت که آلمان ظرف ۲۵ سال گذشته آن‌گونه که باید و شاید بودجه برای تقویت توان نظامی خود اختصاص نداده است. ترامپ گفت: «آلمان از ما انتظار دارد که از آن کشور در برابر تهدیدهای روسیه دفاع کنیم. حال آنکه دولت آلمان میلیاردها دلار به روسیه برای تأمین انرژی خود پرداخت می‌کند». اشاره رئیس‌جمهوری آمریکا به پروژه «نورداستریم ۲» است. پروژه‌ای که قرار است گاز روسیه را به آلمان و به بخش‌هایی از اروپای غربی منتقل کند.

اما در حالی که محبوبیت رئیس‌جمهوری آمریکا به‌خاطر واکنش به اعتراض‌های آمریکا کاهش یافته است؛ در سخنرانی خود اشاره‌ای به جورج فلوید، شهروند رنگین‌پوستی که در خشونت پلیس جان باخته و به اعتراضات گسترده در آمریکا و دیگر نقاط جهان دامن زده بود، نکرد و حتی از خشونت پلیس در آمریکا نیز چیزی نگفت. ترامپ تنها به گفتن این موضوع بسنده کرد که اگر رقیب انتخاباتی او جو بایدن در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری آمریکا پیروز شود، آن‌گاه امنیت از بین می‌رود. ترامپ مدعی شد که جو بایدن در برابر «چپ‌های رادیکال» تسلیم شده و اگر پیروز شود، بودجه پلیس را کاهش داده و حتی پلیس را منحل می‌کند. سخنرانی برای صندلی‌هایی که اکثرا خالی بود، در شرایطی روی داد که ترامپ انتظار داشت حضور پرشمار طرفدارانش پس از صد روز وقفه در کارزار انتخاباتی به علت همه‌گیری ویروس کرونا، به منزله بازگشتی پیروزمندانه برای او به شمار رود.

نگاه

۳ سال ولیعهدی بن‌سلمان از حرف تا عمل

● سه سال از زمانی که محمد بن‌سلمان در ۲۱ ژوئن سال ۲۰۱۷ به‌عنوان ولیعهد عربستان تعیین شد، می‌گذرد؛ سه سالی که برای آشکارشدن شکنندگی پایه‌های جاه‌طلبی‌های این شاهزاده جوان سعودی کافی بود. به گزارش ایسنا، روزنامه الاخبار لبنان در یادداشتی درباره ثمره سه سال ولیعهدی محمد بن‌سلمان در عربستان نوشت: افراد زیادی در سال ۲۰۲۰ که یک سال محوری در روند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بن‌سلمان به شمار می‌رود، می‌گویند که این چشم‌انداز حکم مرده را دارد. اکنون با غافلگیری شیوع کرونا و جنگ احمقانه قیمت نفت، حقیقت خیالی‌بودن طرح‌های بن‌سلمان آشکار شده است.

پیش از یک دهه مانده به تاریخ تعیین‌شده برای تولد «عربستان سعودی جدید». نرخ بی‌کاری، کسری بودجه، سرمایه ملی و موارد دیگر اگر بدتر نشده باشد، بهتر نشده است؛ طرح‌های متنوع‌سازی اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به بن‌بست رسیده، ولیعهد سعودی با یک کودتای داخلی روبه‌روست و گرفتار باتلاق یمن شده که رهایی از آن دشوارتر و پرهزینه‌تر شده است.چشم‌انداز ۲۰۳۰ بن‌سلمان با دشواری‌های اقتصادی مواجه است، طوری که «صندوق سرمایه‌گذاری‌های عمومی» موفق به حرکت در جهت دستیابی به اهداف این چشم‌انداز نشده است. قرار بود حجم دارایی‌های سال جاری میلادی این صندوق ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار باشد و به‌این‌ترتیب در سال ۲۰۳۰ به بیش از دو تریلیون دلار برسد، اما بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های آن با شکست مواجه شد و دارایی‌های کنونی این صندوق ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار بیشتر نیست. شاید یکی از بارزترین نمونه‌های این عدم موفقیت، سرمایه‌گذاری حدود ۳۵ میلیارددلاری در صندوق «چشم‌انداز - سافت‌بانک» باشد، چراکه این صندوق ژاپنی طی سه ماه اول سال جاری میلادی متحمل خسارت ۱۸ میلیارددلاری شده است.سافت‌بانک شرکت مخابرات ژاپنی است که در زمینه ارائه خدمات خطوط تلفن ثابت، شبکه تلفن همراه، خدمات اینترنت و پهن‌باند، بازاریابی و تجارت الکترونیک، همچنین در حوزه رسانه‌های گروهی فعالیت می‌کند. شرکت سافت‌بانک در سال ۱۹۸۱ راه‌اندازی شد و در سال ۲۰۱۱ ارزش بازار آن معادل ۴۳.۵۲ میلیارد دلار برآورد شد. دفتر مرکزی این شرکت در شهر توکیوی ژاپن قرار دارد و سهام آن در بازار بورس نیویورک و بورس توکیو معامله می‌شود.ضربه دوم را توقف در عرضه سهام آرامکو به صندوق سرمایه‌گذاری‌های عمومی عربستان وارد کرد. پس از به‌تعویق‌افتادن چندباره عرضه سهام آرامکو، مقامات عربستان و بن‌سلمان امیدوار بودند که بهای نفت به بشکه‌ای ۸۰ دلار برسد و به دنبال آن ارزش شرکت آرامکو نیز تا دو تریلیون دلار افزایش یابد.

ازهم‌گسیختگی اجتماعی

شاید آنچه سرنوشت چشم‌انداز بن‌سلمان را بیش از پیش مشخص کرد، هم‌زمانی موعد مقرر برای آغاز «برنامه ارتقای هویت ملی عربستان» به‌عنوان یکی از برنامه‌های چشم‌انداز مذکور در سال ۲۰۲۰ با رکود اقتصادی شدید بود که بخش خصوصی اولین و بزرگ‌ترین قربانی آن شد.

نه امنیت و نه ثبات

این صحیح است که بن‌سلمان با اتفاق هتل «ریتز کارلتون» موفق شد حریفان و رقبا را محاصره کند، اما بازداشت احمد بن‌عبدالعزیز و محمد بن‌نایف، دو نفر از شاهزاده‌های ارشد عربستان در مارس گذشته توسط بن‌سلمان، نگرانی وی نسبت به اینکه این دو می‌توانند یک جبهه علیه او تشکیل دهند را آشکار کرد، به‌ویژه اینکه شاهزاده احمد نفوذ قابل‌توجهی در «هیئت بیعت» دارد و بن‌نایف نیز از نفوذ شدید در وزارت کشور عربستان برخوردار است.

نفوذ بن‌نایف در وزارت کشور عربستان کاملا واضح است و همچنان خواب را از بن‌سلمان گرفته. تلاش‌های بن‌سلمان برای بازگرداندن سعد الجبری، مشاور محمد بن‌نایف، ولیعهد سابق این کشور و بازداشت دو پسر و برادر او بیانگر همین مسئله است. مسئله الجبری بار دیگر آشکار کرد با وجود تغییرات ریشه‌ای که بن‌سلمان در ساختار قدرت انجام داده، موارد غافلگیرکننده همچنان وجود دارند و همین مسئله آینده بن‌سلمان را تا حد زیادی مبهم کرده است.

باتلاق یمن

«یک مشکل به نام یمن وجود دارد». این صحبتی است که محمد بن‌نایف طبق اسناد فاش‌شده ویکی‌لیکس از سفارت آمریکا در ریاض در دسامبر ۲۰۱۰ آن را مطرح کرد. بن‌نایف مدعی شده که شاخه القاعده در جزیره عرب می‌تواند با استفاده از خاک یمن حملاتی را علیه عربستان انجام دهد.پس از گذشت حدود یک دهه از این اظهارات، به لطف اقدامات بن‌سلمان و مخالفت با تلاش‌های پسرعمویش برای دور نگه‌داشتن عربستان از این مشکل، یمن از یک مشکل فراتر رفت و به یک «باتلاق» برای عربستان تبدیل شد. ریاض می‌داند که هرچه معضل آن در یمن طولانی‌تر شود، رهایی از آن سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود؛ زیرا مواضعی که در اختیار هم‌پیمانانش در شرق یمن قرار داشت و می‌توانستند درباره آنها مذاکره کنند در مقابل ارتش و کمیته‌های مردمی یمن از هم فروپاشیده و نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن به دروازه‌های شهر مأرب به‌عنوان آخرین پناهگاه نیروهای وابسته به عربستان رسیده‌اند.

آگهی تغییرات موسسه مالکین آکام شهر به شماره ثبت ۷ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۰۱۶۹۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۷/۱۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -۱آقای سید احمد هاشمیان با کد ملی ۰۰۳۲۸۲۲۹۳۶وخانم فرشته نوروزی با کد ملی ۰۰۴۱۰۲۴۸۴۲ ازسمتشان استعفا و به جای آنها آقای علیرضا ارجوند با کد ملی۱۳۷۶۴۱۲۷۳۱وخانم گیتی زرگربا کد ملی ۰۰۶۰۷۰۹۹۸۷ (اعضای علی البدل هیئت مدیره) جایگزین اعضای اصلی شدند که: . الف : ۱- آقای حسین راحمی نژاد با کد ملی ۰۰۴۱۵۱۴۶۷۱ به سمت رئیس هیات مدیره ۲- آقای شهاب الدین حداد عادل با کد ملی ۰۴۵۲۵۷۹۰۸۲ به سمت نائب رئیس هیات مدیره ۳- آقای صمد شاد امروز با کد ملی ۰۰۳۳۰۱۰۸۴۶ به سمت خزانه دار و عضو اصلی هیات مدیره ۴- خانم گیتی زرگر با کد ملی ۰۰۶۰۷۰۹۹۸۷به سمت عضو هیات مدیره ۵- آقای علیرضا ارجوند با کد ملی ۱۳۷۶۴۱۲۷۳۱ به سمت عضو اصلی هیات مدیره ۶- آقای علیرضا آقاجانیان با کد ملی ۰۰۳۲۹۸۰۴۵۰ به سمت منشی و عضو اصلی هیات مدیره ۷-آقای امیرحسین خباز به شماره ملی ۱۲۶۲۳۳۴۲۵۱ بنمایندگی از شرکت مخابرات ایران با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۴۷۲۹۰ به سمت عضو اصلی هیات مدیره همگی برای مدت باقیمانده تا ۹۹/۷/۱۰ انتخاب گردیدند. د: آقای مصطفی تقوایی با کدملی ۲۲۲۹۹۵۴۹۴۶ به عنوان مدیر عامل موسسه بمدت یکسال انتخاب گردید. ب:کلیه اسناد واوراق بهادار وتعهد آور شرکت از قبیل چک،سفته ،بروات ،قراردادها وعقود اسلامی کلیه اسناد مالی وتعهد آور با سه امضاء به شرح ذیل: امضاء رئیس هیات مدیره ویا خزانه دار هیات مدیره به عنوان امضاءثابت به همراه دوامضاء از دیگر اعضای هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر میباشد.

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری نور(۸۸۶۱۷۵)